

پیش‌خوان

در حاشیه انتشار اثر «صخره سخت» از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی روایتی از تأسیس نهادهای امنیتی در نظام اسلامی

■ محمد حسن روزی طلب

«وظیفه اول این است که صلابت، ایهت و عزت انقلاب را حفظ کنیم و راه اسام را با قاطعیت ادامه دهیم و تسلیم باج‌خواهی‌های دشمنان اسلام و انقلاب نشویم. شرق و غرب عالم این انقلاب را شناخته و

زور گویای دنیا هم توقعشان را از جمهوری اسلامی کم کرده‌اند. ملت‌ها و دولت‌های ضعیف با ضعف خود

بزرگ‌ترین ضربه را به خودشان می‌زنند. چنین ملت‌ها و دولت‌هایی از طرف قدرت‌های بزرگ مورد ترحم قرار نمی‌گیرند. قدرت‌های استکباری باید بدانند انقلاب ما مانند صخره است و نمی‌توان به او ضربه زد و چیزی از او کاست. ما باید این اقتدار و ایهت را حفظ کنیم. امید ملت‌های مسلمان به انقلاب و جمهوری اسلامی به

خاطر همین صلابت است»

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

حفاظت از انقلاب اسلامی از همان ساعات ابتدایی پس از تسخیر پادگان‌ها و پاسگاه‌ها در عصر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به دغدغه اصلی انقلابی‌ها تبدیل شد. انقلابی که سران کشورهای غربی که در گوادلوپ گرد هم آمده بودند نمی‌توانستند تبعات آن را تحلیل کنند. سران حزب کمونیست شوروی نیز گرچه امید فراوانی به حزب توده و چریک‌های فدایی خلق داشتند، اما سرویس‌های اطلاعاتی آنان این جمع‌بندی را که رهبر انقلاب اسلامی و مشاور ارشدش مرتضی مطهری مخالفتی به سختی «ته غربی» با مارکسیست‌های حاکم بر مسکو دارد، به آنها اعلام کرده بود. از سوی دیگر سلطنت‌طلبان و افسران ارشد رژیم پهلوی گرچه در امواج سهمگین مردمی مضمحل و سرگردان شده بودند، اما وجود شبکه‌های مسلح و میلیون‌ها دارا پول سبب شده بود تا قاتلانیون آنها را دشمن بالفعل انقلاب تازه به نمر رسیده بدانند. گروهک‌های چند ده نفره نیز در بدو پیروزی انقلاب توانسته بودند با استفاده از خروش مردم و نابودی ساختار نظامی به جذب



نیروهای پاکبخته و انبار کردن اسلحه اقدام کنند. گروه فرقان شاخص‌ترین این گروه‌ها بود. نیروهای مذهبی که درگاه امام خمینی جمع شده بودند، روایت‌های عجیبی از برخورد با سازمان مجاهدین داشتند و حتی پیش از بروز انقلاب در ۱۲ بهمن، مسئله حفاظت از امام خمینی مطرح شد. دو گروه چشم در چشم هم به خطرات زندان اوین فکری می‌کردند. اعضای خط امام اجازه ندادند مجاهدین خلق گر داکرد امام خمینی حلقه ززند. اسناد شهید مطهری در اندامس با پاریس به سید احمد خمینی گفت: «اگر مجاهدین خلق باشند ما نیستیم!» در ادامه دغدغه نسبت به گسترش این سازمان سبب ائتلاف گروه‌های هفت‌گانه‌ای شد که نیز تشکیل دادند و بتوانند امواج بزرگ فرضابیتی سازمان مجاهدین خلق بود. به هر روی انقلابیون در بدو پیروزی در یافته بودند نیازمند یک نیروی انتظامی برای برقراری نظم، یک گارد انقلاب برای بحران‌های منطقه‌ای و شهری و یک سازمان اطلاعات حادقلی برای تمشیت امور ضد جاسوسی و نگهداری و بازپایی اسناد به‌جا مانده از ساواک هستند، اما تشتت فراوان انقلابیون که در آنها از ابراهیم یزدی تا محمد منتظری یافت می‌شد، سبب شد تا تشکیل در راهانداس با پاریس نهادهای انقلابی ضروری موجب بحران‌های بزرگی شوند. از سوی دیگر سرنوشت ارتش که مهم‌ترین منبع مشروعیت رژیم گذشته بود نیز به محل بحث و تجزیه‌طلبان در سنجند به نشانه‌ای برای سخت بودن کار خونیذ روایتی از نقش‌آفرینان تأسیس‌گر نهادهای امنیتی در انقلاب اسلامی است. در این روایت‌ها تلاش شده است وجهه واقعی جدال‌های درونی بر سر ایجاد نهادهای نظامی و امنیتی نمایش داده شود.

همچنین در این کتاب گذری به درگیری‌های مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی داریم، اگرچه شرح این بحران‌ها، رشادت‌ها و فداکاری‌های جوانان انقلابی پاسدار و ارتشی در پاسداشت تمامیت ارضی ایران اسلامی نیازمند ده‌ها جلد کتاب است. این کتاب ان‌شالله قرار است نقطه آغاز مجموعه‌ای از تألیفات پیرامون تاریخ انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ باشد و به یاری خدا کتاب پیش‌رو فتح بایی برای نگارش کتاب‌هایی در باره عملکرد سازمان مجاهدین خلق به عنوان مهم‌ترین سازمان ضد امنیتی در جمهوری اسلامی، درگیری‌های منطقه‌ای مانند کردستان و سیر رویدادهای سیاسی و امنیتی در سال ۱۳۶۰ به عنوان مهم‌ترین و بحرانی‌ترین سال تاریخ انقلاب اسلامی باشد.



تحلیل آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی از پیشینه ادوار و اهداف نهضت اسلامی ایران، نوشته شده در ۵۳ سال پیش

جهشی در راه «تکامل روحانیت» و «ترقی ملت»

■ محمدرضا کائینی



آتچه پیش روی دارید تحلیلی به قلم عالم اندیشمند حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی است که در دومین شماره از نشریه مخفی «انتقام» و در ۲۶ آذرماه ۱۳۴۲ هجری شمسی درج و در قلمرویی محدود نشر یافت. برای شناخت این‌حرکت سیاسی و مبارزاتی شاخص، اشاره به نکاتی ضروری می‌نماید:

۱- پس از تبعید رهبر کبیر انقلاب اسلامی، شاگردان و رهروان وی در جست و جوی راه‌هایی برای تدوام مبارزات بودند. در این میان، یافتن راه‌های فرهنگی در اولویت قرار داشت واز همین روی، از سوی جمعی از فضایی روشن‌بین و مبارز حوزه، نشریات «بعثت» و سپس «انتقام» نشر یافتند. نشر به‌بعثت توسط

چهره‌هایی چون آیات و حجج اسلام:اکبر هاشمی فسنجانی، عبدالرحیم ربانی شیرازی، علی جنتی کرمانی، محمدتقی مصباح یزدی و سیدهدای خسروشاهی منتشر می‌شد. نشر به‌انتقام توسط مشی قاطع‌تری را دنبال می‌کرد، توسط آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی تهیه نشر می‌یافت. ۲- نشریه انتقام عمدتاً و در کلیت خویش و در تمامی سطوح تهیه، محصول تلاش و مساعی آیت‌الله مصباح یزدی به شمار می‌رفت. این تلاش پرچهم و گسترده در راستای تولید نشریه‌ای بود که صریح‌تر و رادیکال‌تر از بعثت به تحلیل و دیگری افتادیم و نشریه به‌انتقام را تأسیس کردیم که هم مطالبش شدیدالحن تر و هم موضع‌گیری‌های آن بسیار صریح بود. فقط بعضی از افرادی که در نشریه بعثت شرکت داشتند، گردانندگان این نشریه را می‌شناختند و برای سایرین، مایه تعجب شده بود که اینها چه کسانی هستند؟! توزیع این نشریه بسیار سریی بود و با شیوه‌های پیچیده‌ای، چه درقم وجهه در شهرستان‌ها چاپ یا منتشر می‌گردید. زحمت فراوانی کشیده می‌شد تا اینها به سایر مراکز استان‌ها و به دست شخصیت‌های معروف و مبارز برسد.»

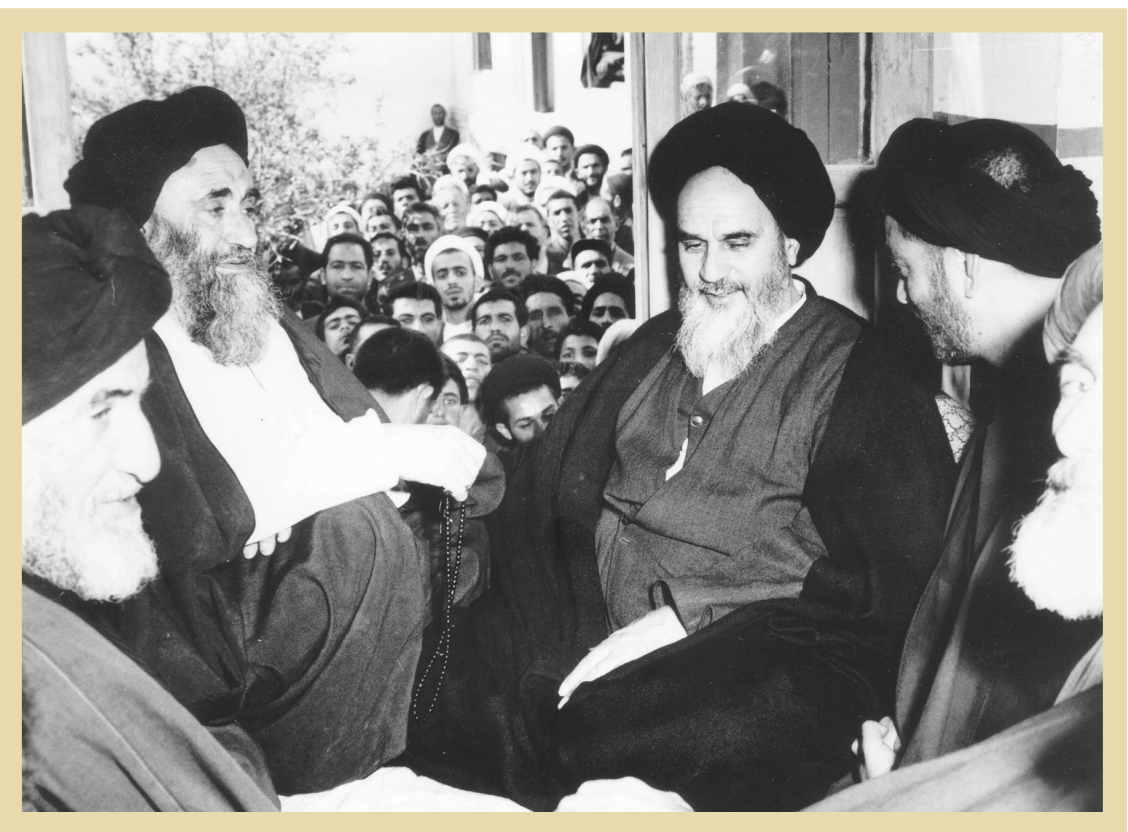
۳- اخیراً و در اقدامی ارجمند، مجموعه‌ای تحت عنوان «اسناد نهضت اسلامی» به‌اهتمام و تدوین استاد سیدهدای خسروشاهی و توسط مرکز

اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. آغاز بن جلد از این مجموعه نفیس، به‌بازنشر نشریات بعثت و انتقام اختصاص یافته و کتابی بیش از ۵۰۰ صفحه را شکل داده است. مقالی که در بی می‌آید نیز از تحلیل‌های مندرج در این مجموعه است که به مناسبت سالروز نیمه خرداد ۱۳۴۲ و آغاز نهضت اسلامی به شما تقدیم می‌شود. ■ ■ ■

سال‌ها گذشت و روحانیت شیعه همچنان سرگرم تحقیق در رشته‌هایی چند از علوم اسلامی بود. فضای ذهن دانشمندان دینی را مسائل و مشکلات آن علوم به طوری فرا گرفته بود که روزنه‌ای برای نفوذ مسائل اجتماعی و سیاسی و حتی پسا‌راه‌ای از علوم مترو که اسلامی باقی‌مانده بود، بررسی علل و عوامل این وضع و سنجدین زبان‌هایی که از این روش به جامعه مسلمین وارد شده، مجالی وسیع‌تر لازم دارد، ولی غفلت از پیشرفت‌های علمی و صنعتی دنیای غرب و عدم توجه به مسائل اجتماعی و دفاعی اسلام و در نظر نگرفتن و پیش‌بینی نکردن آینده دنیای اسلام در برابر ترقی‌مادی مغرب‌زمین، تأثیر بسزایی در پیدایش و ادامه این وضع داشته است.

البته در بسیاری از زمان‌ها عده‌ای از علما و روحانیون در اثر نبوغ ذاتی سا عوامل اتفافی دیگر، کم و بیش ذهنشان معطوف به مسائل سیاسی و اجتماعی شده و فعالیت‌هایی در حدود امکانات موجود کرده‌اند، ولی این فعالیت‌ها غالباً جنبه فردی داشته و با مال‌اندیشی کامل و نقشه‌های عمیق توأم نبوده است.

در قرن اخیر نهضت سیاسی ریشه‌داری به دست روحانیون برپیزی شد. عده‌ای از مراجع بزرگ وقت و علمای شهرستان‌ها و وعاظ و خطبا با گفتن و نوشتن و تلاش‌های پیگیر و حتی جان فشاندن و قربانی دادن، انقلاب مشروطیه را رهبری کردند و در نتیجه قانون اساسی ایران تدوین و بر پایه قوانین اسلامی استوار گردید و مذهب جعفری مذهب رسمی کشور تعیین شد و در متحم قانون اساسی پیش‌بینی شد که مصوبات نسل‌های آینده قرار گرفته و بهترین میراثی است آنان ارزش قانونی خواهد داشت. این قانون در واقع خوبیهای علما و روحانیون و سایر مردم آزادی‌خواه ایران است که به صورت یک سرمایه گرانبه‌ای در اختیار نسل‌های آینده قرار گرفته و بهترین میراثی است که از پدران و نیاکان به ما رسیده است. پایه‌گذاران مشروطیت ایران شاید صددرصد به از روی اصلی خود نرسیده و موفق نشده باشند که کاملاً آن را بر وفق مصالح عالیه مسلمین بنیاد کرده به نمر برسائند، ولی باید از روشن‌بینی و مال‌اندیشی ایشان تقدیر نمود،



آگاه و هوشیار است که غافلان را متوجه سازند، ولی با خائنان مبارزه کنند. ***

بیش از ۱۰ سال قبل، نهضتی با شرکت بعضی از مقامات ملی و روحانی علیه استعمار بریتانیا برای ملی کردن صنعت نفت و قطع نفوذ کمپانی انگلیسی صورت گرفت، ولی با قیام دولت خارجی مقتدرتری خنثی شد و نتیجه‌ای که عاید ملت ایران گردید، این بود که ارباب تازه‌نفس و نیرومندتری بر تمام شئون مملکت و دستگاه حاکمه تسلط یافت. ما در اینجا در صدد از زیبایی آن نهضت و قضاوت کردن به اینکه اگر آن نهضت پیروز می‌شد، صددرصد به نفع جامعه اسلامی می‌بود یا نمی‌بود، نیستیم ولی لازم می‌دانیم که این نکته را تذکر دهیم که یکی از علل عقب ماندن رجال روحانی در آن نهضت، آماده نبودن افکار عمومی به‌خصوص مقامات روحانی برای شرکت در مسائل سیاسی بود. در آن زمان هنوز فکر استعماری «چدا بودن دین از سیاست» بر بسیاری از مغزها حکومت می‌کرد و عده‌ای دیگر از روحانیون که تحت تأثیر این فکر واقع نشده بودند، اندیشه نادرست دیگری گر بیانگیر ایشان شده بود و آن اینکه «سلسله جنیان همه نهضت‌ها و جنبش‌ها دست مرموز انگلیس است که در هر زمان به شکل مخصوصی برای تأمین منافع خود جلوه‌گر می‌شود!» ما اگر تأثیر آن دست مرموز را در هر پدیده‌ای انکار کنیم، تأثیر آن را در رواج این فکر نمی‌توانیم انکار نماییم و متأسفانه هنوز که هنوز است، شیخ جهنمی این فکر شیطانی و استقلال‌کش در برابر افکار

۱۳۴۳ ق.م. دیدار آیت‌الله العظمی مرتضی مخفی و آیت‌الله سیدحسین قاضی طباطبائی با امام خمینی



چیزی که بیش از همه قابل تقدیر و تقدیس است، فداکاری شخص اول این نهضت، حضرت آیت‌الله خمینی و همچنین جانفشانی بی‌مانند متدبیین در پانزدهم خرداد است که چشم جهانیان را خیره کرد و زبان دوست و دشمن را به تحسین گشود. شایسته است که فداکاری‌های قهرمانان این واقعه تاریخی مرحوم طبیب و حاج اسماعیل رضایی و هزاران جوانمرد گمنامی را که شربت شهادت نوشیدند، یادآور شویم

باشد که اخلاف صالحان حضان زحمت و فداکاری‌های پیشینیان را تکمیل کرده به نتیجه نهایی برسانند. ***

انقلاب مشروطیت با برچیده شدن بساط استبداد و قلدری و حکومت خانخانی پایان یافت، ولی متأسفانه پایه‌گذاران آن میدان را برای عناصر خام و مرعوب پیشرفت‌های غرب خالی گذاشتند و خود به بحث اسناد و برائت‌نامه! اشتغال روز یزیدنداسیاست‌های خارجی منتاقض از یکسو، کناره‌گیری روحانیون لایق از سوی دیگر، غرب‌زدگی و خیره شدن تحصیلکرده‌ها به تمدن اروپایی از سوی سوم و سودجویی و جاه‌طلبی و غرض‌ورزی عناصر سست و این‌الوقت و سودپرست از سوی چهارم کار ایران را به جایی رسانید که چه از نظر آزادی و دموکراسی و تأمین حقوق انسانی و چه از نظر دینی و معنوی باید گشت صدر رحمت به استبداد قاجار!

در دوره ۴۰ساله اخیر گرچه به حکم جبر زمان پیشرفت‌هایی در شئون ظاهری کشور انجام گرفت و برتروی از تمدن غربی بر بام و بوم ایران تافت، ولی ضربه‌هایی که بر استقلال فکری و دینی و اقتصادی و سیاسی ما وارد شد، جبران‌ناپذیر است. در این دوران، بسیاری از احکام ضروری اسلام عملاً و قانوناً برخلاف نص قانون اساسی، نسخ شد و کسی جرئت نفس کشیدن نداشت تا به طوری که امروز نویسندگانی مجال خرده‌گیری یافته‌اند که اگر متروک ماندن احکام فرعی بر خلاف مبانی اصولی اسلام است، چرا علمای گذشته نسبت به نسخ احکام جزایی اسلام اقدامی نکردند؟! این خرده‌گیران مغرض، مبارزات جمعی از روحانیون را که منجر به قتل و مسمومیت صدها عالم و مجتهد و خطیب و واعظ شد، فراموش کرده‌اند و نمی‌خواهند به یاد بیاورند، ولی در هر صورت اینها عمل استعماری خود بر خاورمیانه، برنامه‌هایی را برای آنان نمی‌شود، چه بسا اگر همگی هم‌قول و همگام از روی نقشه صحیح به مبارزه برخاسته بودند، کار به اینجا نمی‌کشید؛ چنان که پاره‌ای از مبارزات با اینکه فردی و تاندان‌زای سطحی بود بی‌نتیجه نماند.

بدیهی است که این انتقاد منوجه به فکر گروهی از رجال پیشین است که در تشخیص مسائل سیاسی و اجتماعی و تطبیق آنها بر مبانی دینی، قصور یا غفلت‌اشاندند و ذکر آن فقط به منظور عبرت گرفتن آیندگان و روشن کردن افکار عمومی است و هیچ‌گاه قصد اهانتی به مقام مردانی که از آلودگی‌های هوی و هوس و مقاصد پلید ریاست‌طلبی و دنیاپرستی منزه بوده‌اند، در کار نیست و یادآور می‌شویم که غفلت و اشتباه به‌غرض‌ورزی و خبیات‌فرت بسیار دارد و بر مردم دهان استعمارگران را خرد می‌کنند، غیر ملی معرفی نماید!



شهادت آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در کنار آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی در مجلس عروسی سیدمحمدبهبهانی

تهیه شده بود، عبارت بود از: طرح‌های خوش‌ظاهر و فریبنده‌ای که طبقات زحمتکش را در زیر بوغ اسارت دست‌گاه حاکمه بکشد و اختیار ایشان را با متمرکز کردن نیروهایشان در سندیکاها و شورا‌های فرمایشی به دست عمال استعمار بسپارد. طرح‌های ناقص و معیوب اصلاحات ارضی و سهم کردن کارگران در سود کارخانجات و مانند آنها دام‌هایی برای تأمین این‌گونه مقاصد بود و اما برنامه‌ای که برای جلوگیری از خطر قیام روحانیت تهیه شده بود، عبارت بود از: تضعیف روح دینی مردم به‌وسیله اشاعه فحشا و منکرات و تکثیر مراکز فساد و مواد مخدره و الکل‌ی و جعل قوانین ضددینی و سپردن پست‌های حساس کشوری و لشکری به دست غیر مسلمین مخصوصاً اعضای حزب جاسوسی معروف و سرکوب کردن هر گونه نهضت ملی و فعالیت دینی و تبعید و زندانی کردن رهبران ملی و مذهبی و آزاد گذاشتن و کمک کردن به تبلیغات مسیحیت و سایر فرق و بالاخره الغای مذهب و رویدن خون‌بهای روحانیون و سایر مسلمانانی که در راه مشروطیت شهید شده بودند.

اجرای همه این نقشه‌ها در زمان زعامت آیت‌الله بروجردی (اعلی‌الله مقامه) به واسطه ترس از نفوذ ایشان میسر نبود، ولی بعد از وفات آن مرحوم و پس از ازبایی ناقص نفوذ کسانی که کاندیدای جانشینی ایشان بودند، با سرعت و شتابزدگی شروع شد. الغای قید اسلام از انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده در تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، زنگ خطر را به صدا درآورد و رهبران مال‌اندیش روحانی به ویژه حضرت آیت‌الله خمینی را برانگیخت تا نهضت جدیدی را علیه استعمار و استبداد آغاز کنند. این نهضت به همفکری و همکاری رهبران و هماهنگی نیروهای رزمنده و تشکیلاتی که همه را به صورت یک واحد درآورد، فداکاری و از خودگذشتگی، صرف نیروهای مالی و فکری و بالاخره دادن قربانی‌های زیاد نیاز و افاری داشت. نقص بزرگ این نهضت عدم تشکیلات و نقشه‌های قبلی بود، ولی این نقص‌ها ناشی از عادت نداشتن روحانیون و متدبیین به مبارزات سیاسی و پیش‌بینی نکردن اینگونه وقایع بود و شاید در آن شرایط راهی برای مبارزه جز همان راهی که حضرت آیت‌الله خمینی و حضرت آیت‌الله میلاتی انتخاب کردند وجود نداشت. بنابر این نبودن امکانات بیشتر ممکن است عذری برای نقص اقدامات گذشته باشد ولی هیچ‌وقت نسبت به آینده عذر نخواهد بود و ضرورت دارد که تا فراتر از دست‌نفته، نیروهای مبارز صف واحدی را تشکیل داده، نقشه صحیحی بر مبنای اصول اسلامی و عقلائی برای یک مبارزه



۱۳۳۱ ق.م. دیدار آیت‌الله سیدالکاسم کائینی، یادآور محققان در منزل

وسیع و پیگیر طرح‌ریزی کنند و خود را به کارهای منظم تشکیلاتی عادت دهند. چیزی که بیش از همه قابل تقدیر و تقدیس است، فداکاری شخص اول این نهضت، حضرت آیت‌الله خمینی و همچنین جانفشانی بی‌مانند متدبیین در پانزدهم خرداد است که چشم جهانیان را خیره کرد و زبان دوست و دشمن را به تحسین گشود. شایسته است که فداکاری‌های قهرمانان این واقعه تاریخی مرحوم طبیب و حاج اسماعیل رضایی و هزاران جوانمرد گمنامی را که شربت شهادت نوشیدند، یادآور شویم. بزرگ‌ترین حسد این نهضت این بود که با راهبری مراجع تقلید شروع شد و جایی برای تبلیغات زهر آگین استعمارگران باقی نگذاشت و افکار انسانی را که با دخالت روحانیون در امور سیاسی سازگار نبود، یکباره دگرگون ساخت. تنها وصله نازکی که می‌خواستند به این نهضت بچسباند، لکه «ارتجاعی» و طرفداری از فتوادل‌ها بود و این وصله گرچه هم‌رنگ جامه کسانی بود که خود به دست‌ترین مظاهر ارتجاع (کاپیتولاسیون) در پده و طبقه فتوادل‌ها را رهبری می‌کردند، ولی با قدم‌های بلندی که اخیراً از طرف زعیم عالیقدر شیعه علیه لایحه ننگین مصونیت مستشاران امریکایی و گرفتن وام‌های سنگین با بهره‌های کم‌رشدن‌گر برای تجهیز نیروهای ارتشی در برابر نهضت‌های ملی و دینی برداشته و به تبعید معظم‌له منجر شد، به کلی آن نقشه را نقش بر آب ساخت و به همه جهانیان ثابت کرد که نهضت روحانیت یک نهضت مترقی و آزادخواهانه است که به هیچ وجه نمی‌توان آن را با تهمت‌ها و افتراات عجیب و غریب لکه‌دار کرد. این نهضت مقدس، جامعه روحانیت و اد مسیری نوین به سوی آینده‌ای درخشان به راهانداخت و از این نظر باید آن را «جهشی در راه تکامل روحانیت و ترقی ملت» نامید که بدون آن چنین پیشرفت‌های فکری و عملی جز در طول سالیان دراز نصیب جامعه مسلمان ایرانی نمی‌شد.